رویاهایی که می‌آیند

ساسان گلفر
cinemaglobe.blogfa.com

جنگ و دیگر هیچ

■ جنگ سرد و جنگ جهانی دوم در آثاری به نمایش درآمده در این هفته و معرفی‌شده در ستون امروز، حضور موثری دارند اما درگیری‌های دیگری هم پیدا می‌شود که اهمیت‌شان از رویدادهای عالم‌گیر کمتر نیست، مثلا جنگ میان همکلاس‌های قدیمی و جنگ با بچه‌های شرور.

تعمیرکار، خیاط، سرباز، جاسوس

Tinker, Tailor, Soldier, Spy

اقتباس سینمایی از رمان جان لوکاره (نویسنده «جاسوسی که از سردسیر آمد») با همین عنوان که در سال ۱۹۷۹ مجموعه تلویزیونی موفقی نیز بر اساس آن ساخته شده، درام دلهره‌آوری است با مدت‌زمان ۱۲۷دقیقه به کارگردانی تامس آلفردسن سوئدی، محصول مشترک فرانسه، انگلستان و آلمان با بازی‌گری اولدمن، سیاران هیندز، جیرد هریس، کالین فیرث، تام هاردی، بندیکت کامبرباچ، مارک استرانگ و جان هارت درباره وجود یک عامل نفوذی روسیه در دستگاه جاسوسی انگلستان در دوران جنگ سرد. عنوان موزون فیلم از شعری کودکانه گرفته شده است.

دبلیو.ای

W.E

دومین فیلم بلند سینمایی که مدونا کارگردانی کرده، به زندگی ادوارد هشتم، پادشاه انگلستان و ازدواج او با یک زن مطلقه آمریکایی که پیش از جنگ جهانی دوم به کناره‌گیری او از سلطنت انجامید (ماجرایی که سال گذشته در فیلم «سخنرانی پادشاه» از منظری دیگر به آن پرداخته شد) و یک داستان رمانتیک دیگر در دوران معاصر می‌پردازد. فیلمنامه را کارگردان و آلکس کشیشیان نوشته‌اند و ابی کورنیش، آندره‌آ رایزبورو، اسکارآیزاک، جیمز دارسی و جیمز فاکس در فیلم حضور دارند. زمان نمایش فیلم ۱۱۵ دقیقه است.

من با تو ذوب شدم

I Melt with You

عنوان فیلم از یک ترانه دهه ۱۹۸۰ گرفته شده و داستانش درباره چهار دوست دوران کالج است که به سن ۴۰ سالگی رسیده‌اند و تجدید دیدار آنها رازهای زندگی‌شان را برملا و آنها را با هم درگیر می‌کند. تامس جین، راب لو، جرمی پیون، کریستین مک کی، کارلا گوگینو و ساشاگری از بازیگران این درام ۱۲۹دقیقه‌ای به کارگردانی مارک پلینگتن و با فیلمنامه گلن پورتر هستند

در تاریکی

In Darkness

خانم آنی یژکا هولاند، فیلمساز لهستانی که آثاری مانند «سخه‌برداری از بتهوون» و «باغ مخفی» را در کارنامه دارد، در این درام که محصول مشترک آلمان و لهستان است، به داستان فرار از گتوی شهری در لهستان تحت اشغال آلمان نازی با کمک یک کارگر فاضلاب و یک دزد خرده‌پا می‌پردازد. دیوید شامون این فیلمنامه را از کتابی به قلم رابرت مارشال اقتباس کرده است و رابرت ویسکوچ، بنو فورمان و ماریا شریدر در فیلم بازی می‌کنند.

پرستار بچه

The Sitter

وقتی یک جوان بی‌انضباط و بی‌مسوولیت به عنوان پرستار بچه در خانه‌ای مشغول به کار می‌شود که سه بچه تخس در آن آرامش را از همه محله سلب کرده‌اند، ماجرایی به راه می‌افتد که دامنه‌اش به همه خیابان‌های نیویورک کشیده می‌شود. در این کمدی به کارگردانی دیوید گوردن گرین (کارگردان «پاین اپل اکسپرس») جونا هیل، سم راکول، مکس ریکوردز، کوین هرناندز و لندی بندر حضور دارند. زمان نمایش فیلم ۸۱ دقیقه است.

عکس: CinemaRx

درباره فیلم «تعمیرکار، خیاط، سرباز، جاسوس»

مظنونان همیشگی

سیدحسام فروزان

«تعمیرکار، خیاط، سرباز، جاسوس» بیست‌ویکمین فیلم تامس آلفردسن، فیلمساز ۴۶ساله سوئدی است که اکران عمومی آن به تازگی آغاز شده است. آلفردسن فیلمساز باتجربه‌ای است که پیش از این سریال‌های تلویزیونی و فیلم‌های بسیاری ساخته است از جمله «چهارسایه براون» در سال ۲۰۰۴ و Let the Right One In در سال ۲۰۰۸ که فیلمی سوئدی بود با مضمون خون‌آشامان. فیلم جدید او تریلری جاسوسی است براساس رمان جاسوسی به همین نام نوشته جان لوکاره که در سال ۱۹۷۴ منتشر شده است. پنج سال پس از انتشار رمان، شبکه بی.بی.سی سریالی هفت قسمتی براساس آن ساخت که آلک گینس نقش اصلی آن را ایفا می‌کرد. فیلمنامه «تعمیرکار، خیاط...» توسط پیتر استراگان نوشته شده است که پیش از این فیلمنامه «مردانی که به بزها خیره شدند» را نوشته بود.گری اولدمن، کالین فیرث، تام هاردی و جان هارت از بازیگران اصلی فیلم هستند. بودجه فیلم حدود ۲۰میلیون یورو بوده و فیلمبرداری در مجارستان، ترکیه و انگلیس انجام شده است. کمپانی استودیو کانال از تهیه‌کنندگان اصلی فیلم است که با زمان ۱۲۷ دقیقه و درجه R از این هفته نمایش داده خواهد شد.

داستان

ماجرای فیلم در انگلستان و چند کشور اروپایی دیگر در اوایل دهه ۷۰ و سال‌های جنگ سرد می‌گذرد. پس از اینکه عملیاتی جاسوسی در مجارستان به شکست می‌انجامد، رییس سازمان اطلاعات انگلستان (MI6) به اسم کنترل (با بازی جان هارت) استعفا می‌دهد. کنترل معتقد است یکی از چهار مامور اصلی که در عملیات مجارستان شرکت داشته، عامل نفوذی روس‌ها بوده و عملیات مجارستان به این منظور طراحی شده که این عامل شناخته شود. بعد از رفتن کنترل، جورج اسمایلی (گری اولدمن) معاون ارشد او نیز مجبور به بازنشستگی می‌شود. اما اسمایلی از سوی یکی از مقامات مهم دولتی مامور می‌شود تا عامل نفوذی را پیدا کند. اسمایلی می‌فهمد که شکست عملیات مجارستان و ادامه موفقیت‌آمیز عملیات جاسوسی روس‌ها وجود عامل نفوذی را تایید می‌کند. در ادامه با وجود تلاش‌هایی که برای متوقف کردن اسمایلی صورت می‌گیرد، او موفق می‌شود به جیم پریدو برسد، کسی که در قلب عملیات مجارستان قرار داشته... .

نظر منتقدان

«تعمیرکار، خیاط...» در برخی جشنواره‌های معتبر حضور داشته و نامزد شیرطلایی جشنواره ونیز بوده و جایزه دستاورد فنی از انجمن فیلم‌های مستقل انگلستان را نیز برده است. فیلم از اواسط ماه سپتامبر در انگلستان و ایرلند و چند کشور دیگر نمایش عمومی داشته و بازخوردهای مثبتی در میان منتقدان و تماشاگران به وجود آورده است. فیلم در سایت IMDb امتیاز ۷/۷ از ۱۰ را کسب کرده است. منتقدان سایت معتبر متاکریتیک هم از صد امتیاز به آن ۸۶ داده‌اند.

آنگی اریگو، منتقد سایت امپایر پنج ستاره به فیلم می‌دهد و می‌نویسد: «درافتادن با چنین رمانی کار شجاعانه‌ای است، چراکه این رمان نه تنها یکی از بهترین رمان‌های جاسوسی است بلکه سریالی که بی.بی.سی براساس آن ساخت و در سال ۱۹۷۹ پخش شد نیز در خاطره هم‌سن و سالان ما مانده است.» او در ادامه می‌نویسد: باعث خوشحالی است که می‌بینیم فیلم توانسته در اقتباس از رمان موفق باشد. از نظر او این فیلم تریلر جاسوسی خوش‌ساختی است که برخلاف فیلم‌های جیمز باند به تفنگ‌ها، دخترها و تجهیزات پیشرفته نمی‌پردازد بلکه بیشتر روی سلول‌های خاکستری متمرکز شده است.گری اولدمن خوب از عهده ایفای نقش پیچیده جورج اسمایلی برآمده و توانسته دنیایی از درد و رنج و رازهای پوشیده را پشت چهره‌ای جدی پنهان کند. از نظر منتقد امپایر اولین نقطه قوت فیلم بدون شک فیلمنامه پیتر استراگان و بریجت اوکانر است. آنها با تغییراتی که در داستان ایجاد کرده‌اند به نتیجه بهتری رسیده‌اند. تغییراتی که نویسندگان فیلمنامه در داستان ایجاد کرده‌اند در بیشتر صحنه‌ها بار احساسی و معنایی بیشتری به فیلم داده است. اریگو در ادامه می‌نویسد که تیم بازیگران فیلم بدون شک یکی دیگر از برگ برنده‌های فیلم است. این بازیگران به قدری خوب در کنار هم خودشان را پیدا کرده‌اند که شاید نظیرش را در کارنامه هیچ‌کدام تا پیش از این ندیده بودیم. این منتقد در پایان می‌نویسد، کسانی که رمان را نخوانده‌اند یا سریال بی.بی.سی را ندیده‌اند نباید نگران پیچیدگی طرح داستانی باشند، چراکه به خوبی می‌توانند با روایت فیلم همراه شوند و داستان را دریابند.

لزلی فلپرین، منتقد ورایتی هم که فیلم را در جشنواره ونیز دیده در مطلبش فیلم را تحسین کرده است. او نوشته نتیجه اقتباس از رمان لوکاره به فیلمی منجر شده است که به خوبی در قالبش جا گرفته و داستان قهرمانی جورج اسمایلی و جست‌وجوی جاسوس نفوذی را تبدیل به فیلمی کرده که اخلاقیات و روحیات دوران جنگ سرد را نمایان می‌کند. او معتقد است فیلم همزمان این توانایی را دارد که هم طرفداران فیلم‌های جاسوسی را راضی کند و هم سلیقه‌های جشنواره‌ای را به سمت خود جلب کند. او می‌نویسد طرح فیلم چیزهایی از رمان گرفته، چیزهایی را تغییر داده و چیزهایی هم از نو خلق کرده اما در کل چارچوب فیلم به رمان وفادار است و فضای توهم‌آمیز و پر از سوءظن دوران جنگ سرد را بازتولید می‌کند. به نوشته منتقد ورایتی، یکی از تغییرات مثبتی که نسبت به رمان صورت گرفته، اضافه کردن صحنه میهمانی کریسمس در میان فلاش بک‌هاست که در رمان وجود نداشته و اینجا به شدت به فیلم کمک می‌کند و نشان می‌دهد که جورج اسمایلی چگونه از خیانت همسرش آگاه می‌شود. این تغییرات لحنی را به فیلم داده‌اند که آن را متفاوت از رمان یا سریال بی.بی.سی کرده است. از نظر این منتقد هم انتخاب بازیگران نقطه قوت فیلم است وگری اولدمن و کالین فرث بسیار تاثیرگذار در کنار هم ظاهر شده‌اند. جیمز روچی، منتقد سایت Box Office چهار ستاره به فیلم می‌دهد و می‌نویسد در این فیلم از ماشین‌های مدل بالای جیمز باند یا واقع‌نمایی مجموعه فیلم‌های «بورن» خبری نیست. این فیلم در گیشه متفاوت است، چراکه داستانش در دوران جنگ سرد می‌گذرد، در زمانی که همه چیز خاکستری است و هر دوستی می‌تواند دشمن شما باشد. لباس‌ها اکثرا خاکستری است و شخصیت‌های فیلم با هم روبه‌رو می‌شوند، در حالی که به طور معنادار لبخند می‌زنند یا از نگاه‌شان پیداست که رازهایی در درون دارند. این منتقد از عوامل فنی فیلم تقدیر می‌کند و می‌نویسد که فیلمبرداری و تدوین و جلوه‌های صوتی در حد عالی هستند و در کنار بازیگران حرفه‌ای فیلم ترکیب کاملی به وجود آورده‌اند.

پرتره هنرمند

«تعمیرکار، خیاط، سرباز، جاسوس» از زبان گری اولدمن

دور کردن شبح آلک گینس

■ **گری اولدمن، بازیگر نقش جورج اسمایلی در «تعمیرکار، خیاط، سرباز، جاسوس» در این گفت‌وگو درباره کار با جان لوکاره و توانایی به کار گرفتن عناصری از داستان او می‌گوید.**

■■■

نقش جورج اسمایلی واقعا یک موهبت است. بزرگ‌ترین چالشی که برای یافتن او و بازی در نقش او پیش رو داشتید، چه بود؟

بزرگ‌ترین چالش، دور کردن شبح (آلک) گینس بود. منظورم این است که همه چیز برای شما در کتاب مهیاست و من هم خارج از حیطه کتاب، فیلمنامه و البته لوکاره -که به او دسترسی داشتم- کار نکردم. اما همه دلهره‌ای که داشتم به علت آن بود که گینس چنان نقش را متعلق به خود کرده بود که مردم عاشقش شده بودند. گاهی اوقات احساس می‌کردم مردم ممکن است بگویند: «درباره خودش چه فکری کرده (که این نقش را بازی کرده)؟»

اینکه به جان لوکاره آنقدر نزدیک بودید که می‌توانستید از مشورت او بهره ببرید، چقدر سودمند بود؟

وقتی به او احتیاج داشتیم، به‌عنوان یک منبع در دسترس بود و اگر سوالی داشتیم که می‌خواستیم از او بپرسیم، بلافاصله پای تلفن حاضر بود. من با او صبحانه خورده بودم و چیزی که هیچ‌وقت از یادم نمی‌رود، جملات قصار معرکه او بود. میمیک چهره فوق‌العاده‌ای هم دارد و در تجسم کردن کارش بی‌نظیر است. آلک گینس این نقش را خیلی خوب بازی کرده اما خود لوکاره که اساسا این داستان را پدید آورده، بزرگ‌ترین مرجع برای من است. بعضی از اوج و فرودهای صوتی و کار با کلمات را هم از خود او دزدیدم- البته من جان لوکاره را بازی نمی‌کنم اما نکات کوچکی را از او گرفته‌ام. این کار مثل یک موزاییک است، یک نوع ترکیب کردن و کنار هم گذاشتن چیزها.

نشستن دور یک میز با این همه بازیگران بزرگ، که خیلی از آنها گفته‌اند هیبت شما آنها را می‌گرفت، چه حالی داشت؟ درست حدس می‌زنم که هیبت جان هارت هم خود شما را می‌گرفت؟

بله، همه ما طرفدار کارهای همدیگر بودیم. سیاران (هیندز) بازیگر محشری است، کالین (فیرث)، توبی (جونز)، جان (هارت)، دیوید (دنسیک)... می‌دانید، اینکه سر میزی نشسته باشید که این همه... حتی یکی از آنها هم بازیگر ضعیفی نیست. بهتر از این نمی‌شود. هرکدام از آنها دنیایی از توانایی را با خودش آورده است.

گفت‌وگو با کالین فیرث، بازیگر «تعمیرکار، خیاط، سرباز، جاسوس»

امکانات نامحدود یک فیلمنامه خوب

راب کارنویل/ترجمه: پریا لطیفی‌خواه

جذابیت‌های بازی در نقش بیل هایدون، جاسوس بریتانیایی روی پرده بزرگ در نسخه‌ای سینمایی از رمان «تعمیرکار، خیاط، سرباز، جاسوس» جان لوکاره و اینکه چرا این نقش، بازتاب‌دهنده یکی از اولین نقش‌هایی بود که کالین فیرث بازی کرده از نکات مطرح شده در گفت‌وگوی ما با بازیگر برنده جایزه اسکار سال گذشته است. او همچنین درباره لذت کار کردن با مجموعه‌ای عالی از بازیگران هموطنش می‌گوید.

■■■

چه چیزی علاقه‌ات را به بازی در نقش بیل هایدون جلب کرد؟

راستش را بخواهید، ممکن بود هر نقش دیگری را در این فیلم بازی کنم. به ملاقات تامس (آلفردسن، کارگردان) رفتم تا فیلمنامه را ببینم، بدون آنکه بدانم کدام شخصیت برای من در نظر گرفته شده است. از این فکر که با او کار می‌کنم خیلی هیجان‌زده بودم، همین‌طور در مورد برداشت تازه از داستان که به نظرم این در زمان بسیار خوبی انجام شده است، چون نسل قبلی اقتباس تلویزیونی آن را دیده‌اند. ما قصد نداشتیم که داستان را با توجه به رویدادهای امروز باز تعریف کنیم، داستانی درباره گذشته می‌گفتیم و همین باعث شد که از دیدگاه دیگری به آن نگاه کنیم. داستان رمز و رازش را برای من حفظ کرده بود و من درباره جزییاتش نمی‌دانستم. همه شخصیت‌ها، چه استرهاز، چه بِلَند و چه آلنین، چنان خوب پرداخت شده بودند که احساس می‌کردی دری به زندگی آنها باز شده است و می‌توانی آنها را در یک داستان جالب دنبال کنی. هایدون هم از این امر مستثنا نبود. شخصیت‌ها با پیش رفتن داستان آشکار می‌شوند و وقتی درباره هایدون به نکاتی پی می‌برید، او هم به اندازه بقیه جالب می‌شود. به این ترتیب، من هم به ظرافت‌های بسیار این شخصیت پی بردم. در اوایل زندگی حرفه‌ای‌ام در فیلمی به نام «کشوری دیگر» بازی کردم... اول نقش را روی صحنه تئاتر بازی کردم و بعد فیلمش ساخته شد. فکر می‌کنم این شخصیت‌ها از دنیای همان فیلم آمده‌اند اما فراتر از آن رفته‌اند. داستان آن فیلم که برداشتی آزاد از یک ماجرا و شخصیت‌هایی واقعی بود در دهه ۱۹۳۰ می‌گذشت و درباره افرادی بود که جاسوس می‌شدند. به نظر من، هایدون از همان دنیا ولی ۳۰سال بعد از آن آمده است.

همه درباره تصویری که آلک گینس در نسخه تلویزیون بی.بی.سی در نقش اسمایلی ارایه داده بود، صحبت می‌کنند اما یان ریچاردسن هم در نقش بیل معرکه بود. آیا دوباره به آن فیلم مراجعه کردید تا نگاهی به بازی‌هایشان بیندازید؟

بله، تماشایش کردم. البته از آن تاثیر نگرفتم چون کاملا با نقش من متفاوت بود. کارهایی که او کرده شگفت‌انگیز است اما من نمی‌توانستم آن کارها را انجام بدهم و نباید آن‌طور رفتار کنم. یک نوشته خوب امکانات نامحدودی برای تاویل و تفسیر در اختیارتان قرار می‌دهد و این هم خیلی جالب به نظر می‌رسد که همه ما از لحاظ جثه و ظاهر چقدر با گروه بازیگران سریال تلویزیونی فرق داریم.

وقتی در اتاقی با جان هارت، توبی جونز، سیاران هیندز، گری اولدمن... تعدادی از بهترین بازیگران بریتانیایی سر یک میز نشسته بودید، چه فکر می‌کردید؟ آیا بودن در آنجا شما را هیجان‌زده می‌کرد؟

البته که هیجان‌انگیز است (می‌خندد). دقیقا. نمی‌شود درباره‌اش فکر نکنید. فکر می‌کنم بازیگری خوب باعث می‌شود ظاهرتان هم بهتر به نظر برسد.

چقدر از ساختن رابطه میان شخصیت بیل و جیم پریدیو که نقش او را مارک استرانگ بازی کرده، لذت بردید؟ برای این منظور باید در مدتی بسیار کوتاه، نکات بسیاری را می‌رساندید.

عالی بود. همان‌طور که گفتید، مارک و من زمان زیادی را با هم روی پرده نداشتیم. داستان ما ریشه در سابقه کار ما با هم دارد. ما ۱۵ سال پیش با هم کار کردیم و از آن زمان دوستی‌مان را حفظ کردیم. من او را به دفعات بی‌شمار روی صحنه و روی پرده دیده‌ام و فکر می‌کنم کارش عالی است. خدا را شکر که رابطه میان ما همان‌طور نیست که در این فیلم می‌بینید، اما این همکاری دیرینه ما به بازی ما به‌عنوان دو بازیگر که زمان کوتاهی را در کنار هم دارند، کمک کرد. با توجه به زمان خیلی‌خیلی محدودی که من در این فیلم روی پرده هستم، فکر می‌کنم برجسته‌ترین لحظاتش همان لحظاتی است که با مارک دارم.

منبع: Indielondon

جدول ۱۳۹۲

افقی:

۱- فرماندار کوفه در عهد امام حسین (ع)- سوال- حرف فاصله ۲- گیاه رنگرزی- مجسمه لباس -رعب ۳- زیاده گو- امر به یافتن- اطراف ۴- برآمدگی ته کفش- چهار نعل- ظرف دم کردن چای ۵- تهی انگلیسی- خط لاتین- گردهمایی سیاسی ۶- سمت راست- فیلمی از رضا گنجی- لوله تنفسی ۷- زن و فرزندان- عقب انداخته- طایفه ایرانی ۸- قانونگذار- پهلوانان ۹- کافی- گفتار نوشتاری- مرغ سلیمان ۱۰- کشت به امید باران- کارشناس تعیین ارز و بها- جمع رند ۱۱- سر گردان شدن- پایتخت غنا- از الفبای یونانی ۱۲- تقویت‌کننده- آمرزش خواهنده- صد متر مربع ۱۳- میوه نورسیده- گل و لجن- دلتنگ ۱۴- نوعی پوشاک گشادبی آستین- به تنهایی- جوهر گل ۱۵- حرف ندا- دارویی روی زخم- ترکیب قند با یکی از اسیدهای فلزی

عمودی:

۱- پیشکش- نقطه شروع- قلمه درخت ۲- رایحه- جمع‌کننده- لوازم نوزاد ۳- گهواره بچه- پست فطرت- قبول‌کننده ۴- لابه- روایت‌کننده- خورشید عالمتاب ۵- نگهبان چماق به دست- از غدد بدن- برابر و مساوی ۶- پزشک اتاق عمل- جمع نظیر- اثر چربی ۷- نفس- سیاه، کدر- ابریشم خام- سوگ و عزا ۸- مصونیت- خاندان پیامبر اسلام ۹- پشتیبان- دهان- نمونه کوچکی از خانه یا ساختمان- معاون هیتلر ۱۰- رودست خوردن- خواهان- بر خلاف ۱۱- صحنه نمایش- خواب نیمروز- آسمانها ۱۲- ماهی- توانا- سران و بزرگان ۱۳- شهری در ایتالیا- سدی در استان آذربایجان شرقی- شهری در فارس ۱۴- پایانه مسافربری- کوژ، خمیده- پیشوند منفی ۱۵- آهسته خودمانی- جالب و جذاب- برای رو کار ساختمان بسته می‌شود

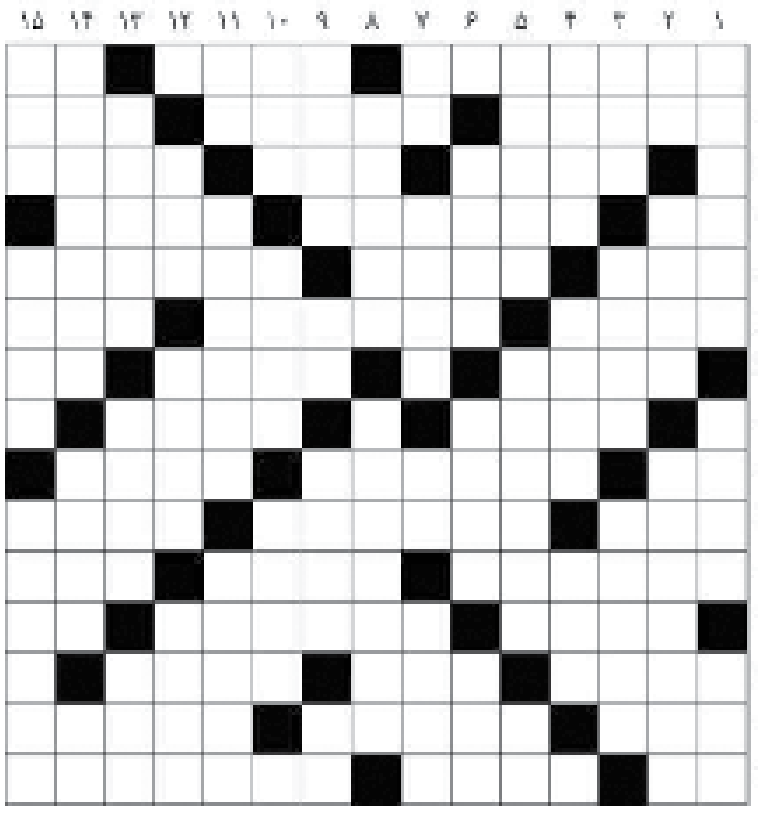

حل جدول ۱۳۹۱

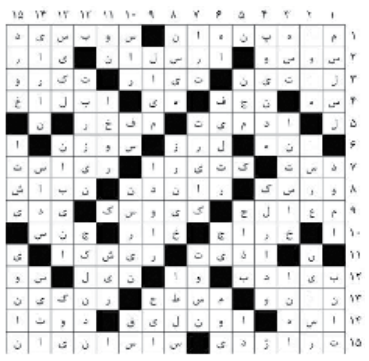

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۳۹۵

۴		۷		۶				۳
	۲	۸	۵	۱				۴
			۷		۴	۱	۸	
۵	۳	۹					۱	
	۸				۵	۲	۳	۷
	۶				۸	۹	۴	۵
			۳		۶	۴	۷	۱
				۷	۱		۵	۲
	۷		۴		۲		۹	

حل سودوکو ۳۹۴

۳	۵	۴	۷	۸	۶	۱	۹	۲
۷	۱	۹	۴	۳	۲	۸	۶	۵
۶	۸	۲	۱	۹	۵	۴	۲	۷
۸	۹	۱	۲	۶	۴	۷	۵	۳
۴	۳	۵	۹	۷	۸	۶	۱	۴
۴	۶	۷	۵	۱	۳	۹	۲	۸
۹	۷	۸	۳	۵	۱	۲	۴	۶
۵	۲	۶	۸	۴	۹	۳	۷	۱
۱	۴	۳	۶	۲	۷	۵	۸	۹

سودوکو سخت ۴۳

	۹	۳	۷		۶			
۱			۲		۹			
۲		۴						۵
	۸			۳				۱
		۸		۴		۶		۲
	۶			۷	۳			
۳	۴				۸			
	۹		۱	۴				
		۵		۶	۷			

حل سودوکو سخت

۶	۹	۷	۸	۱	۳	۴	۲	۵
۳	۴	۸	۶	۲	۵	۹	۷	۱
۲	۵	۱	۹	۴	۷	۳	۶	۸
۹	۷	۴	۳	۶	۱	۲	۸	۵
۸	۱	۵	۲	۷	۴	۶	۹	۳
۷	۳	۶	۵	۸	۹	۱	۴	۲
۴	۶	۲	۷	۹	۸	۵	۳	۱
۱	۲	۹	۴	۵	۶	۷	۸	۳
۵	۸	۳	۱	۲	۷	۸	۱	۶